

اڪلومي
اسلامي
ايراني

ارزیابی تغییرات کالبدی فضایی آرامگاه‌های ایلخانی و صفوی اصفهان، گامی در مسیر شناخت الگوی پیشرفت معماری اسلامی - ایرانی

آزینا بلالی اسکویی^۱، یحیی جمالی^۲

چکیده

بقاع متبرکه، از جمله بناهای عمومی در سرزمین ایران هستند که از جنبه‌های مختلف اجتماعی، هنری، مذهبی و تاریخی حائز اهمیت بوده و از نظر اهمیت برای جامعه دیندار ایران، بعد از مساجد، رتبه دوم را در بین ابنیه مذهبی، به خود اختصاص می‌دهند و کمتر نقطه‌ای را در ایران می‌توان یافت که از این قسم از ابنیه، تهی باشد. هدف از این پژوهش، شناخت، مدون‌سازی و دسته‌بندی ویژگی‌های کالبدی-فضایی متکی بر اصول معماری ایرانی-اسلامی آرامگاه‌های مذهبی ایلخانی و صفوی اصفهان و مقایسه تحلیلی این دو دوره با یکدیگر است چرا که با شناخت تاریخ و تحولات آن در گذر زمان می‌توان از طرق پیشرفت یا انحطاط تمدن‌ها آگاه شد و از آن برای ساخت آینده‌ای نیکوتر بهره برد. در این راستا ابتدا، ضمن بررسی اصول کلی معماری آرامگاهی در هر یک از این دو دوره، ۱۵ آرامگاه ایلخانی و ۱۷ آرامگاه صفوی، در محدوده اصفهان و مناطق تابعه، شناسایی شدند و ویژگی‌هایی کالبدی-فضایی هر یک از آنها به روش توصیفی تحلیلی و به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفت. سپس با کنار هم قرار دادن تحلیل‌های انجام شده، مقایسه آماری این ادوار صورت پذیرفت و نتایج قابل تأملی در خصوص اشتراکات و افتراقات این دو دوره عرضه شد که از جمله این موارد می‌توان به تفاوت میان سلسله مراتب دسترسی به فضای گنبدخانه‌ای، تفاوت در میزان بهره‌گیری از ایوان به عنوان یکی از اندام‌های شاخص معماری ایران، تفاوت در جهتگیری کلی، شباهت در بهره‌مندی از نظام فضایی چهارصفه و برونگرایی غالب آنها اشاره کرد.

کلمات کلیدی: معماری آرامگاهی، ساختار ایرانی اسلامی، ایلخانی، صفوی، اصفهان

^۱. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران؛ a.oskoyi@tabriziau.ac.ir

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران؛ y.jamali@tabriziau.ac.ir

۱. مقدمه و بیان مسأله

معماری آرامگاهی، از جمله گونه‌های حائز اهمیت و ریشه‌دار در معماری سرزمین ایران است که معمولاً بر مزار افراد سرشناس بنا می‌شود. در فرهنگ‌های مختلف، بنا به اعتقادات و آداب و رسوم آن قوم و نوع نگاهشان به جهان آخرت، انواع متعددی از مراسمات خاک‌سپاری و آیین‌های تدفین و مراسمات پس از دفن به چشم می‌خورد که هر کدام در بستر خود، معانی والایی در خود دارند و از ارزش زیادی برخوردار هستند که ایران نیز متثنی از این قاعده نیست. پیشینه معماری تدفینی در ایران طبق اسناد موجود به استودان‌ها و پس از آن به گوردخمه‌هایی باز می‌گردد که هم‌اکنون نیز بقایای آن‌ها در پهنه این سرزمین به چشم می‌خورد.

در ایران پس از اسلام نیز، به جز بازه زمانی کوتاهی که تقریباً اثر قابل توجهی در حوزه معماری آرامگاهی به چشم نمی‌خورد، سنت مقبره‌سازی با استناد به فرامین اسلامی علی‌الخصوص فقه شیعه، با قدرت بیشتری در سطح جامعه بروز پیدا کرد، چرا که طبق تعالیم، زیارت قبر پاکان، در این دنیا نیز می‌تواند منشأ خیرات شوند. مقابر در دو گونه مذهبی (مربوط به علما، عرفا و امامزادگان) و غیر مذهبی قابل تقسیم‌اند. در ایران پس از اسلام، سنت مقبره-سازی عمدتاً در خدمت مذهب به کار گرفته می‌شد و مقابر مذهبی نسبت به مقابر غیر مذهبی، بیشتر مورد اقبال قرار گرفته‌اند.

اهمیت بقاع متبرکه در ایران در حدی است که وجودشان در بسیاری از موارد، اصلی‌ترین دلیل احداث اولیه یا توسعه شهرها بوده است. امامزادگان، زوار خود را از شهرها، پس کرانه‌ها یا شهرهای اطراف، پذیرا هستند (Costa and Eccles, 1996: 84). امامزادگان می‌توانند، با حفظ کارکردهای فرهنگی خویش، موکد و حافظ ارزش‌های اسلامی شده، به بازسازی و پالایش روانی و معنوی افراد کمک نموده و به موجب معماری کم نظیر خود، باعث افزایش گردشگری مذهبی شوند (اثنی عشران و تقی پور، ۱۳۹۶: ۷۶).

پس از دوره ساسانی و همزمان با ورود اسلام به ایران، با استناد به برخی روایات، مبنی بر اینکه بر روی قبور هیچ بنایی ساخته نشود و قبر با زمین، هم سطح باشد، نمی‌توان اثر خاصی

از آرامگاه‌ها مشاهده کرد و حتی فراتر از آن، مراسم یادبود و تدفین نیز، از جانب مسلمانان، ناپسند شمرده می‌شد. تکریم قبور و برگزاری مراسم در کنار آن‌ها از عادات ناپسند مسیحیت و یهود بر شمرده می‌شد (گرابار، ۱۳۷۵: ۱۷). اما در همان هنگام، با استدلال در امان ماندن مزار سرداران جنگی از باد و باران، احداث سایبان بر فراز قبور ایشان، جایز شد و پس از مدتی، مزار اصحاب پیامبر اکرم (ص) نیز بوسیله شاخص‌های چادری و چوبی پوشانیده شد که به قبور سایبانی معروف شدند (مسعودی اصل و همکاران، ۱۳۹۷: ۶). از سده اول تا سوم هجری، بنای آرامگاهی قابل اعتنایی در ایران برجای نمانده و شاید بتوان آرامگاه هارون الرشید در در خراسان را جزء نمونه‌های اولیه سنت آرامگاه‌سازی در ایران به شمار آورد (غروی، ۱۳۷۶: ۹۹). به تدریج و با استفاده از امکان انطباق فرامین اسلام با فرهنگ‌های موجود در بلاد تازه مسلمان و همچنین نفوذ روز افزون مذهب شیعه در ایران به عنوان پشتیبان اصلی سنت آرامگاه‌سازی؛ ایرانیان، بخش مهمی از اساطیر خود را در مورد مرگ، آئین تدفین و ساخت مقبره، حفظ کردند و سنگ قبر که نشانی برای اطمینان از عدم بازگشت میت در اساطیر کهن ایران بود، به عنصری نمادین جهت نمایش شخصیت فرد متوفی و محلی برای ظهور خلاقیت در هنر مذهبی گردید (مسعودی اصل و همکاران، ۱۳۹۷: ۷). از دیگر ابعاد معماری آرامگاهی، می‌توان به ایجاد ارتباط میان جهان مادی و معنوی اشاره کرد که می‌تواند مفاهیم نمادین و رازآلود داشته باشد (پوپ، ۱۳۹۳: ۱۳).

معماری چهارتاقی به عنوان شالوده معماری مذهبی ایران، در مقبره‌سازی پس از اسلام در ایران، تأثیر بسزایی از خود بر جای گذاشته است. این الگو در تمام دوره ساسانی، یکی از مهمترین الگوهای معماری مذهبی بوده است که ناگهان پس از اسلام، برای مدتی، حضورش در معماری این سرزمین، کمرنگ شد (سلطانزاده، ۱۳۶۲) و پس از چندی، در قامت معماری آرامگاهی، حیاتی دوباره یافت. آرامگاه امیر اسماعیل سامانی با تهرنگی مربعی و گنبدی بر محل تقاطع محورهای بنا، شاهدی بر این مدعا است. آنچه در مورد فرم ظاهری مقبره‌ها، مورد وثوق اکثریت پژوهشگران این حوزه می‌باشد، تقسیم‌بندی مقابر به دو گروه برجی شکل و

چهارگوش گنبددار است (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۳۴۳-۳۴۲). که میزان استفاده از هرکدام از این دسته‌ها، در مقاطع تاریخی گوناگون، متفاوت است.

مقابر ایلخانی در دو دسته جای می‌گیرند؛ نخست آن‌هایی که شبستان مربع شکل گنبددار دارند و دوم مقبره‌های برجی. مقابر برجی در انواع مدور و مربع و چند وجهی به چشم می‌خورند. هر یک از اقسام فوق، گنبدهایی به شکل نار یا رک دارند و شبستان زیر گنبدخانه در این مقابر نقش کلیدی ایفا می‌کند. عمده این مقابر، مذهبی و امامزاده هستند (ویلبر، ۱۳۶۲: ۳۸-۳۹). مقابر ایلخانی به پیروی از رسم قدیم از همه سو نمایان بودند. قبور سلاطین در نقاط مخصوصی بنا می‌شد و قبور افراد مهم در نزدیکی مساجد یا زیارتگاه‌ها احداث می‌گشت. اما محل معمول برای ساخت مقبره برجی یا زیارتگاه، یکی از گورستان‌های محلی بود که به فاصله‌ای، خارج از شهر قرار داشتند. گاه حضور یک قبر ساده، موجب ساخت بنایی با اهمیت می‌شده و آبادانی به ارمغان می‌آورده و گاه حضور یک بنای زیارتگاهی در یک نقطه معمور، چنان حرمتی به فضا می‌بخشیده که مردم اموات خود را در کنار آن به خاک می‌سپردند و به تدریج، آن فضا به قبرستان بدل می‌گشته است (همان: ۴۱). در دوره ایلخانی نوعی دگرگونی در معماری تدفینی ایجاد شده، بدین معنا که به عظمت و گسترش بیشتری دست می‌یابند که نمونه آن میتوان به گنبد سلطانیه در زنجان اشاره کرد (برتون، ۱۳۷۷: ۹۵).

به واسطه استقرار حکومت شیعی مقتدر در دوران صفوی در ایران، فضا، بیش از پیش برای توجه و احداث این بقاع فراهم گردید. شهر اصفهان نیز به واسطه پایتختی حکومت صفوی، نقطه امنی برای این امر شد. در این دوره، به لحاظ کمیت و کیفیت معماری، مقابر زیارتگاهی بر مقابر غیر مذهبی رجحان دارند (اسکویی و جمالی، ۱۳۹۸: ۳۷). عرصه مقابر این دوره، عمدتاً بسیار بزرگ و مشتمل بر بناهای فرعی، حیاط‌های مجاور یک‌دیگر و باغ‌های گسترده بود (هیلن براند، ۱۳۸۷: ۲۹۴). افزایش مقیاس، این امکان را برای معمار فراهم کرده است که به مسائل فضایی، بیشتر اهمیت بدهد (هیلن براند، ۱۳۸۰: ۴۸۴). رواج استفاده از الگوی چهارگوش گنبددار و شکل‌های مرتبط همچون هشت و نیم‌هشت گنبددار، برخلاف

برج مقبره‌ها، که دچار نوعی بن بست سازه‌ای بودند و در درجه اول برای ارائه تزیینات پرکاربرد، استفاده می‌شدند، در عین اینکه امکانی برابر را برای تزیینات فراهم می‌آورد، تجربه فضاسازی را هم ترغیب می‌کرد و به همین سبب بود که در معماری تدفینی، نقش بارزتری به آن‌ها داده شد (هیلن براند، ۱۳۸۷: ۲۹۰). فکر یک پلان متمرکز شعاعی، بیان کامل خود را در قالب هشت ضلعی گنبددار یافت. این هشت ضلعی بود که می‌توانست با نیازهای کانون مرکزی بقعه - که معمولاً با صندوق قبر یا ضریح تجهیز می‌شد - به نیکی تلفیق شده و فضای کافی برای طواف و حداکثر میدان برای تدابیر فضایی و معمارانه باقی بگذارد. در این قسم از بناها، برخلاف برج مقبره‌ها، که فضای داخلی در آن‌ها بی‌اهمیت و هدفشان تشخیص بنا، از بیرون بود؛ فضای داخلی به عنوان فضایی که باید به‌طور مرتب استفاده شود، مورد توجه ویژه قرار گرفت و خارج بنا، اهمیتش کمرنگ‌تر شد (همان: ۲۸۱-۲۸۰). با توجه به ویژگی‌های ذکر شده در خصوص معماری آرامگاهی، به عنوان یکی از انواع معماری مذهبی، می‌توان بعضی از این ویژگی‌ها را تدابیر معمارانه‌ای در راستای پاسخگویی بهتر به معنویات، مسائل فقهی و احکام شرعی اسلامی دانست و برخی دیگر از این ویژگی‌ها، بخشی از زنجیره تداوم معماری ایرانی است که این بار در قالب معماری آرامگاهی به حضور خود در بستر شهر ادامه می‌دهد. اصفهان به دلیل قدمت چند هزار ساله، موقعیت خاص جغرافیایی و داشتن دشت‌های فراوان و حاصلخیز، همواره مورد توجه حکام ایران بوده است (ریعی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۳-۱۳۱). در اصفهان دوره ایلخانی، جز در دو برهه زمانی، توجه چندانی به معماری نمی‌شد و اساساً به دلیل ناآرامی‌های موجود، مجالی برای پرداختن به این امور باقی نمی‌ماند. در این دوران ساختمان‌های با درون‌مایه مذهبی، همچون مدارس، مساجد، مقبره‌ها و زیارتگاه‌ها بر ساختمان‌های غیر مذهبی رجحان یافتند (ویلبر، ۱۳۶۲: ۳۴). با شکل‌گیری حکومت صفوی، ایران پس از مدت‌ها دارای حکومت یکپارچه و مقتدر مرکزی شد. در دوره حکومت شاه عباس اول بود که وی، پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کرد و به گواهی تاریخ، وی از جمله پادشاهان ایران بوده، که به حوزه معماری و شهرسازی بسیار علاقه داشته است (پوپ،

۱۳۹۳: ۲۴۹؛ آیت‌اللهی، ۱۳۸۰: ۲۷۴). در این دوران داشتن طرح و نقشه جامع، اهمیتی ویژه داشت و اجزای متشکله معماری در طرح کلی بنا رؤیت می‌شد و اهمیت می‌یافت (پوپ، ۱۳۹۳: ۲۴۹). تحولات شگرف و پیشرفت‌های قابل ملاحظه این شهر در دوران پایتختی حکومت صفوی و در حوزه ساخت و ساز را می‌توان در قالب بناهای شاخصی همچون مسجد امام، میدان نقش جهان، مسجد شیخ لطف الله و غیره، به نظاره نشست.

پژوهش پیش‌رو با در نظر گرفتن مذکور، به بازشناسی و دسته‌بندی برخی از ویژگی‌های کالبدی-فضایی نشأت گرفته از اصول معماری اسلامی-ایرانی بقاع مذهبی و مقایسه این اصول، در آرامگاه‌های مذهبی دوره ایلخانی و صفوی اصفهان به عنوان یکی از شهرهای کلیدی در تاریخ معماری ایران، که در گذر زمان یا پایتخت بوده یا همواره به عنوان پایتخت دوم ایفای نقش می‌کرده و آیین تمام نمایی از رخدادها و وضعیت کلی عصر خویش بوده، پرداخته است. ضرورت انجام این پژوهش، در آنجا است که این تحقیق گامی است در مسیر محقق شدن الگوی پیشرفت معماری اسلامی-ایرانی، در قالب معماری آرامگاهی. گام‌های بعدی این پژوهش که با استفاده از نتایج این تحقیق، خود می‌تواند موضوع تحقیقات بعدی باشند عبارتند از: (۱) نقد و ارزیابی این تفاوت‌ها، شباهت‌ها و تشخیص نقاط قوت و ضعف و نکات مثبت و منفی برای طراحی امروز و آینده یا به عبارتی سنجش دستیابی به اهداف مورد نظر معماری؛ (۲) دستیابی به مبانی، اصول، الگوها، روش‌ها و فرم‌هایی برای طراحی که محصول گام‌های قبلی است و (۳) گام نهایی این مسیر و نقطه شروع کاربرد این اصول در طراحی بناهای جدید از طریق تداوم و تکامل اصول و الگوهای پیشین است.

۲. اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، مقایسه ویژگی‌های کالبدی-فضایی آرامگاه‌های مذهبی ایلخانی و صفوی اصفهان با تکیه بر اصول منبعث از معماری اسلامی-ایرانی، برای تبیین تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو دوره با یکدیگر است، دو دوره‌ای که یکی دوره اوج تمدن اسلامی (در زمینه‌های مختلف علمی و هنری و ...) در ایران تلقی می‌شود و دیگری به واسطه حجم

سنگین خشونت و ویرانی‌ها و هرج و مرج به عنوان دوره افولی در تاریخ این سرزمین به شمار می‌رود است؛ در مسیر دستیابی به این هدف، به اهداف فرعی دیگری نیز دست یافته خواهد شد که عبارتند از:

۱. ویژگی‌های کالبدی- فضایی برگرفته از اصول معماری اسلامی ایرانی حاکم بر معماری آرامگاهی دوره ایلخانی اصفهان

۲. ویژگی‌های کالبدی- فضایی برگرفته از اصول معماری اسلامی ایرانی حاکم بر معماری آرامگاهی دوره صفوی اصفهان

پژوهش پیش رو به دنبال پاسخ به این سوال اصلی است که معماری آرامگاهی مذهبی دوره ایلخانی و صفوی اصفهان، چه تفاوت‌ها و شباهت‌های کالبدی- فضایی در بستری از اصول اسلامی- ایرانی، با یکدیگر دارند؟ و در مسیر دستیابی به پاسخ این سوال، به دو پرسش دیگر نیز پاسخ خواهد داد:

۱. معماری آرامگاهی دوره ایلخانی اصفهان بر مبنای اصول معماری اسلامی ایرانی، چه ویژگی‌های کالبدی فضایی دارد؟

۲. معماری آرامگاهی دوره صفوی اصفهان، بر مبنای اصول معماری اسلامی ایرانی، چه ویژگی‌های کالبدی فضایی دارد؟

۳. پیشینه پژوهش

پیشینه این پژوهش از دو منظر قابل بررسی است، یکی در زمینه مطالعات صورت پذیرفته در حوزه معماری آرامگاهی و دیگری پژوهش‌های انجام شده در حوزه الگوی پیشرفت معماری اسلامی ایرانی.

از جمله تحقیقات صورت پذیرفته در خصوص معماری آرامگاهی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: گدار (۱۳۷۷) در کتاب "بررسی هنر ایران" ضمن معرفی کلی بقعه‌ها و توصیفات محدود کالبدی، عمده تمرکز متن را بر تشریح تزئینات بنا قرار داده است. کیانی (۱۳۷۹) در کتاب "بررسی تاریخ هنر معماری ایران" ضمن تقسیم بندی معماری ایران به چند دوره زمانی،

به بیان چپستی معماری آرامگاهی و برخی از ویژگی‌های مشترک میان آرامگاه‌ها، همچون فرم کلی و جنس تزئینات پرداخته است. همچنین در مورد برخی از آرامگاه‌های شاخص متناسب به دوره‌ی زمانی خاص، توصیف شأن بقعه، افراد مؤثر در ساخت آن، بیان بعضی از ویژگی‌های کالبدی (همچون ابعاد و فرم و تزئینات) و تحولات در طول زمان نیز مورد توجه قرار گرفته است. براند (۱۳۸۷) در کتاب "معماری اسلامی" ضمن برشمردن ویژگی‌های آیینی و فرهنگی معماری تدفینی مسلمانان، خاستگاه‌ها و ریشه‌های آن، بیان جنبه‌های نمادین آنها، برشمردن چند نوع اصلی برای معماری آرامگاهی و ذکر ویژگی‌های هر یک از آنها، به بررسی برخی آرامگاه‌های بلاد مختلف مسلمان در قالب دسته‌بندی ارائه شده، می‌پردازد. پوپ (۱۳۹۳) در کتاب "بررسی معماری ایران" ضمن تقسیم‌بندی معماری ایران به هشت دوره‌ی زمانی و طرح ویژگی‌های کلی آن، در هر یک از ادوار، به معرفی چند اثر شاخص در حوزه معماری آرامگاهی پرداخته است و برخی از ویژگی‌های کالبدی بنا، همچون ابعاد، وسعت، فرم کلی، نمود تزئینات و غیره را بیان نموده است. خاکپور (۱۳۹۲) در راستای بررسی گونه‌های بقاع متبرکه لاهیجان، به واسطه بررسی معماری اقلیمی این خطه به این نتیجه رسید که معماری بقاع لاهیجان دارای همان خصوصیات معماری بومی است با تفاوت‌هایی در زمینه جنس و ابعاد و میزان استفاده از مصالح به کار رفته در بنا که این موارد تفرق برگرفته از فرهنگ و معماری عامه است. حسینی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان بررسی روند شکل‌گیری مجموعه‌های آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی، بنابر آراء ابوسعید ابوالخیر به این نتیجه رسید که آغاز ساخت این مجموعه‌ها، در ارتباط مستقیم با شکل‌گیری جریان تصوف در قرن چهارم و پنجم هجری بوده است و این الگو مورد اقتباس مذهبیهون و امرا نیز قرار گرفت و ساخت این قسم مجموعه‌ها تا دوره تیموری بیشتر در خدمت فرقه متصوفه و حاکمان و از دوره صفوی، بیشتر در خدمت مجموعه‌های متناسب به ائمه اطهار و امامزادگان قرار داشت. مسعودی اصل و همکاران (۱۳۹۷) در راستای بررسی مبانی معماری مقابر امامزادگان در ایران به این نتیجه رسیدند که علیرغم کلیه تفاوت‌های زمینه‌ای، فرمی و کارکردی گونه‌های معماری امامزادگان، همگی دارای اصول مشترکی همچون

طبیعت‌گرایی، نمادگرایی، درونگرایی، بهره‌گیری از مصالح بوم آورد، هندسه چند ضلعی منتظم، استفاده از نمادها و عناصر مقدس مذهبی و کارکرد فضاهای جمعی هستند. سهیلی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تأثیر ادراک حسی بر افزایش رضایتمندی در مساجد محله‌ای و ارائه الگوهای معماری ایرانی اسلامی، به این نتیجه رسیدند که بین مولفه‌های ادراک حسی و رضایتمندی در مساجد محله‌ای، ارتباط معنا داری وجود دارد و رعایت الگوهای حسی در طراحی عناصر شاکله مساجد، موجب افزایش حس رضایتمندی می‌شود. ملکی و آریان کیا (۱۳۹۸) برای ارزیابی شاخصه‌های مسکن تاریخی از دیدگاه سبک معماری ایرانی اسلامی، در راستای تحول‌پذیری سبک معماری نوین، بیان کردند که شاخصه‌هایی مانند اشراف و دید داشتن، آسایش زندگی، حریمیت و امنیت تردد بانوان و کودکان، ارتباط مستقیمی با رضایتمندی ساکنین دارد. قیصری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان شهر، مکان مطلوب تمدن‌سازی در پروژه پیشرفت اسلامی ایرانی، به جایگاه والای شهر در مسیر تحقق الگوی پیشرفت تمدنی اشاره کرد و بیان کرد که طراحی الگویی برای پیشرفت تمدنی، بدون توجه به مکان اجرای آن، الگوی طراحی شده را تا حد ایده‌های انتزاعی، تنزل می‌بخشد.

خلأهای موجود در بین تحقیقات گذشته نیز از دو زاویه قابل بررسی است. یکی خلأهای موجود در حوزه معماری آرامگاهی و دیگری حوزه الگوی پیشرفت معماری اسلامی ایرانی. کثرت گستره زمانی و مکانی معماری آرامگاهی از سویی و قلت پژوهش‌های صورت پذیرفته در این حوزه از سوی دیگر، نیاز به پرداختن به این موضوع را آشکار می‌سازد. همچنین، رویکرد توصیفی، بیان کلیات و عدم وجود جزئی‌نگری در اندک پژوهش‌های صورت پذیرفته در این مقوله، خلأ مطالعه در حوزه شناخت معماری آرامگاهی، با نگرش تحلیلی و موضعی (وابسته به زمان و موقعیت مشخص) و بازشناسی اصول و ویژگی‌های معماری آن را بیش از پیش نمایان می‌سازد. بنابراین با توجه به جوان بودن مفهوم الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی و کمبود پژوهش‌های صورت پذیرفته در این حوزه و اهمیت این موضوع، به خودی خود جای خالی تحقیقاتی از این دست احساس می‌شود؛ همچنین در اندک پژوهش‌های صورت پذیرفته

در این زمینه نیز، پرداختن به حوزه معماری آرامگاهی و رویکرد قیاسی بین دو دوره تاریخی برای فهم ضعف‌ها و قوت‌ها و ارائه الگوی مطلوب، جایگاهی ندارد. پژوهش پیش رو با تمرکز بر دو دوره حکومتی ایلخانی و صفوی، به مطالعه تحلیلی و صوری ابنیه آرامگاهی مذهبی این ادوار در اصفهان، دسته بندی روشن و مدون آن‌ها و در آخر، مقایسه آماری ایشان خواهد پرداخت؛ امری که در نهایت به فهم جدید و ساختارمندی از این گونه مهجور در معماری ایران، منجر خواهد شد و می‌تواند پژوهشگران این حوزه را در راه فهم ضعف‌ها و قوت‌ها موجود یاری رساند.

۴. تعریف مفاهیم

۴-۱. الگوی پیشرفت

الگوی پیشرفت، الگوی تئوری است؛ یعنی مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها که در ساختاری منطقی وضعیت موجود را تحلیل، وضعیت مطلوب را تبیین و راهبرد حرکت از وضعیت موجود، به مطلوب را ارائه دهد. این الگو در بخش تحلیل وضعیت موجود نوعی الگوی توصیفی و در بخش ارائه وضعیت مطلوب و راهبردها یک الگوی هنجاری است. مقام معظم رهبری معتقد هستند که پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، الگوی واحدی ندارد؛ پیشرفت یک معنای مطلق ندارد، شرایط گوناگون (شرایط تاریخی، جغرافیایی، جغرافیای سیاسی، طبیعی، انسانی و شرایط زمانی و مکانی) در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین، یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه اجزای آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما (با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما) الگوی ویژه خود را دارد؛ باید جست‌وجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند، نسخه‌های دیگر به درد ما نمی‌خورد؛ چه نسخه پیشرفت امریکایی، چه نسخه

پیشرفت اروپایی از نوع اروپای غربی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای شمالی (کشورهای اسکاندیناوی که آنها یک نوع دیگری هستند) هیچ کدام از اینها، برای پیشرفت کشور ما نمی تواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم (رشکیانی، ۱۳۹۳: ۴۰-۳۹). بنابراین طبق نظر رهبر انقلاب اسلامی، باید در هر زمینه، من جمله هنر و معماری، بتوان الگوی بومی پیشرفت را متناسب با شرایط کشور پیدا کرد.

۲-۴. معماری اسلامی - ایرانی

در باب چیستی مفهوم معماری اسلامی، نظریات بسیاری وجود دارد که با اندکی تسامح می توان آن‌ها را در دو دسته کلی قرار داد: دسته اول افرادی که هنر اسلامی را در بستر زمان و مکان تعریف کرده و در نحوه پدیدار شدن آن و سرچشمه‌هایش در سرزمین‌های مفتوحه اسلامی، نظریات گوناگون می دهند. دسته دوم درون تنوعات آثار هنر معماری اسلامی، وحدت و مشابهتی می بینند که این یگانگی، منبعث از تجلی حقایق درونی و وجه باطنی اسلام در هنر اسلامی است. بدین سان آن‌ها برای هنر اسلامی، نقشی فرازمانی و فرامکانی قائلند. اینان هنر اسلامی را سنتی دانسته و بیان می دارند که مقصودشان از سنت، معنی قرآنی آن؛ یعنی تبعیت از قوانین ثابت و لایتغیر الهی است، نه مجموعه رسومی که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود (حاجی قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۰).

ایران سرزمینی کهن و پهناور است با جغرافیا و اقلیمی گسترده و متنوع؛ که این گستردگی اسباب تنوع فرهنگی پر دامنه‌ای بین مردم این سرزمین است و این تنوع در هر مطالعه‌ای پیرامون پدیده‌های فرهنگی این سرزمین، می بایستی لحاظ شود. اما این تنوع فرهنگی، با نگرشی کلان‌تر، درون وحدتی بزرگ‌تر معنا می یابد. مردم ایران را علاوه بر سرزمین مادری، اعتقادات یکسان، آیین‌ها و مناسک مشترک، زبان مشترک، حکومت و نظام سیاسی واحد، ادبیات و هنرهای همانند و غیره، به یکدیگر پیوند می دهد (ثلاثی، ۱۳۷۹: ۲۷-۹). هنگام سخن گفتن از معماری ایرانی، نگاه به بناها، فضاها و مجموعه‌هایی است که در این سرزمین و برای زیستن مردم این سرزمین ساخته شده‌اند. اینکه ایران کجا است، چه تاریخی از سر گذرانده،

جغرافیا و آب و هوای آن چگونه است و مسائلی از این دست، قطعاً بر معماری این سرزمین، اثرگذار بوده، این گونه است که معماری سرزمینی را از معماری سرزمین دیگر متمایز می‌دانند. با همین استدلال معماری اسلامی ایران نیز، از معماری اسلامی سایر کشورها متمایز است. معماری اسلامی ایران، هم تعلق به ایران دارد و هم به اسلام. هم متأثر از این سرزمین و مردمان آن و تاریخ و سرگذشت آن‌ها است؛ هم تحت تأثیر اندیشه‌ها و باورهای اسلامی.

۳-۴. ساختار کالبدی فضایی محیط

ویژگی‌های ساختاری محیط سه دسته‌اند: ویژگی‌های کالبدی فضایی، ویژگی‌های جمعی رفتاری و ویژگی‌های ادراکی دریافتی. ویژگی‌های کالبدی فضایی محیط، به نسبت سایر ویژگی‌های آن، ملموس‌ترند و طراح با هدف آفرینش مکان، باید تلاش کند تا این ویژگی‌های فیزیکی را بر اساس ماهیت مکان، از نظر فعالیت‌های جاری و انتظاراتی که از آن وجود دارد، در نظر بگیرد (بندرآباد، ۱۳۹۶: ۱۴۸). ذیل این ویژگی‌ها، عوامل کالبدی طبیعی و مصنوعی جای می‌گیرند. عوامل طبیعی از جمله مباحث اقلیمی، وجود عوارض و کوه‌ها و فضای سبز (که به واسطه ماهیت و اهداف این پژوهش که به دنبال بررسی گونه‌ای خاص از معماری است، به آن‌ها پرداخته نخواهد شد)؛ عوامل مصنوعی نیز شامل کلیه عناصر و فضاهای انسان ساخت و ویژگی‌های فیزیکی مرتبط با آن‌ها (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۳). مفاهیمی همچون درونگرایی و برونگرایی، سلسله مراتب فضایی، هندسه فضا، تراکم، فرم، نفوذپذیری، نسبت توده و فضا، تقسیم‌بندی عمودی، عرصه عمومی و غیره؛ و اندام‌های بنا مانند ایوان، تاق، ستون، صغه و غیره از جمله مواردی هستند که زیرمجموعه ویژگی‌های کالبدی فضایی معماری قرار می‌گیرند.

۴-۴. مطالعه قیاسی تاریخ

مطالعه یعنی اطلاع یافتن از چیزی با ادامه نظر در آن؛ قیاس به معنی دو چیز را با هم سنجیدن و تاریخ به معنی زمان وقوع یک امر یا حادثه، دوره و زمان معین و دانش ثبت و شرح وقایع و سرگذشت پیشینیان می‌باشد؛ که مفهوم مد نظر این پژوهش از تاریخ، دوره و زمان معین است.

هدف از مطالعه تاریخ، همانگونه که در قرآن کریم (نحل: ۱۱)، نیز به آن اشاره شده، چیزی بیش از زمان رخداد وقایع است. با فهم دقیق تاریخ و تأمل در آن است که می‌توان مسیر اعتلا یا انحطاط اقوام بشری را دریافت و از نتایج آن در مسیر تحقق ایده‌آل‌های بشری بهره برد. در این نگاه برآمده از بینش قرآنی به مسئله‌ی تاریخ، «عبرت گرفتن» از تاریخ، مسئله اصلی و درسی قرآنی است؛ همانگونه که رهبر معظم انقلاب نیز می‌فرماید: «من، همیشه به جوانان و محصلین و طلبان و دیگران می‌گویم که تاریخ را جدی بگیرید و با دقت نگاه کنید، ببینید چه اتفاقی افتاده است: «تلک أمه قد خلت». عبرت از گذشتگان، درس و آموزش قرآن است». دو مفهوم «عبرت» و «درس» گرفتن از تاریخ نیز به روشنی از سوی ایشان تبیین شده است: «درسها به ما می‌گویند که چه باید بکنیم؛ ولی عبرت‌ها به ما می‌گویند که چه حادثه‌ای اتفاق افتاده و چه واقعه‌ای ممکن است اتفاق بیفتد». حال سؤال اینجاست که مطالعه تاریخ از این زاویه نگرش چه فواید و دستاوردهایی می‌تواند در پی داشته باشد؛ که رهبر انقلاب در پاسخ به این سؤال چند مورد را به عنوان دستاوردهای این نگرش به تاریخ مطرح فرموده‌اند که یکی از آن‌ها عبارت است از: هموار سازی راه آینده. با شناخت تاریخ است که می‌توان «امروز» را به درستی فهم کرد و راه «آینده» را هموار نمود: «می‌خواهیم از راه شناختن تاریخ خود، گذشته خود و برجستگان این تاریخ، خود را درست بشناسیم؛ امروزمان را درست بفهمیم و راه فردامان را تشخیص بدهیم و باز کنیم... ما به گذشته که نگاه می‌کنیم، با این چشم نگاه می‌کنیم. گذشته برای ما یک وسیله و آئینه‌ای است؛ مایه‌ی عبرتی است تا راه آینده‌مان را هموار کنیم». رهبر انقلاب یکی از رویکردهای کارگشا در این خصوص را مقایسه میان دو برهه تاریخی برمی‌شمارند و بیان می‌کنند: «متأسفانه، اغلب جوانان ما، اصلاً از انقلاب‌های دیگر خبر ندارند. من گاهی از این بابت، واقعاً غصه می‌خورم. اصلاً نمی‌دانند انقلاب سوسیالیستی شوروی سابق که بزرگترین انقلاب زمان معاصر تا قبل از انقلاب اسلامی بود و این همه هیاهو در دنیا داشت، در مقایسه با انقلاب ما، از چه ظواهر ناخوشایندی برخوردار بود. انسان وقتی با دید مقایسه به این انقلاب در قبال آن انقلاب نگاه می‌کند، می‌بیند واقعاً فرقشان از زمین تا آسمان است» (<https://farsi.khamenei.ir>). این رویکرد نه تنها در قبال مقایسه زمینه‌ها و شرایط دو

انقلاب، بلکه در امور دیگر، علی‌الخصوص امر مد نظر این پژوهش نیز قابل تعمیم است. بنابراین شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های میان ادوار تاریخی می‌تواند اطلاعات مناسبی برای ترسیم مسیر آینده‌ای بهتر یا پرهیز از حرکت رو به افول، در اختیار قرار دهد.

این پژوهش نیز به فراخور خویش، با مطالعه، بررسی و مقایسه اصول کالبدی فضایی معماری آرامگاهی دو دوره ایلخانی و صفوی که این اصول نیز همانگونه که در ادامه خواهد آمد، برگرفته از قواعد اسلامی و ویژگی‌های معماری ایرانی هستند، می‌تواند به واسطه عرضه اصول مشترک و تبیین افتراقات، به زنجیره تداوم اصول با ارزش در این حوزه از معماری و اعتلای آن‌ها و جلوگیری از التقاط شدید و بردگی فرهنگی غربی، کمک نموده و گامی در راستای اعتلای تمدن اسلامی ایران تلقی شود.

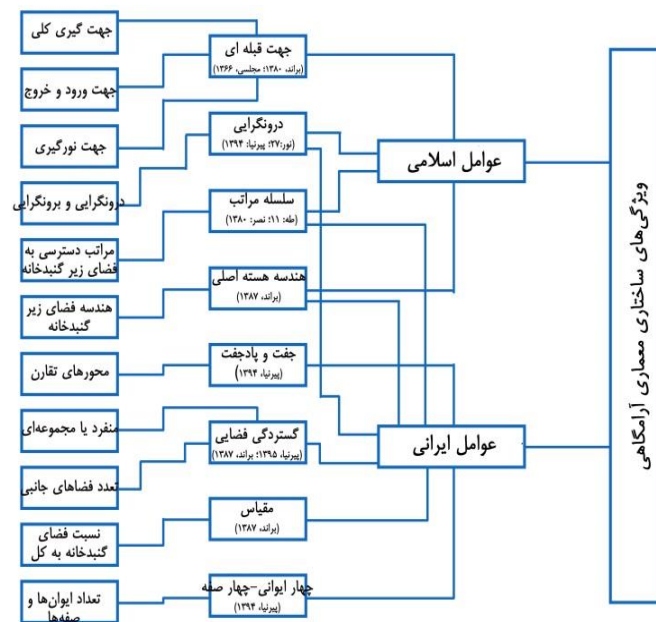
۵. روش تحقیق

این پژوهش کاربردی با رویکرد عینیت‌گرا به معماری آرامگاهی، با روش توصیفی-تحلیلی و با تلفیق دو رویکرد تجزیه و تحلیل کیفی و کمی، به بررسی کالبدی فضایی آنها در دو دوره ایلخانی و صفوی در اصفهان و مقایسه این ادوار با یکدیگر می‌پردازد. در این راستا، نخست با بررسی منابع کتابخانه‌ای، برخی از اصول و مفاهیم کلی معماری اسلامی-ایرانی متعلق به معماری آرامگاهی استخراج گردید، سپس با آزمودن این اصول در ابنیه آرامگاهی منتخب دو دوره، میزان و چگونگی استفاده از این اصول در آرامگاه‌ها معین خواهد شد؛ در نهایت نیز سطح اشتراک و افتراق آرامگاه‌های دو دوره ایلخانی و صفوی، در بهره‌مندی از اصول پیش‌گفته، با کمک تحلیل‌های آماری در نمونه‌ها آشکار خواهد گشت.

برای انتخاب آرامگاه‌ها، تلاش شد تا کلیه آرامگاه‌ها، از بقاع مذهبی (علماء، عرفا و امامزادگان) محدوده اصفهان و بلاد اطراف آن که قاعداً تحت تأثیر و تأثر یکدیگر بودند برگزیده شود (تصویر ۱). با توجه به سه عامل محدودکننده‌ای که در مسیر انتخاب بقاع وجود داشت (محدودیت مکانی بستر قرارگیری بقعه؛ محدودیت در بازه زمانی ساخت بقعه؛ مذهبی بودن بقعه)، تلاش گردید تا بقاع به لحاظ تعدد از جامعیت مناسبی برخوردار باشند و بخش عمده‌ای از آرامگاه‌های محاط در شرایط مذکور، مورد بررسی قرار گیرند. ویژگی‌های کالبدی فضایی هر بنا،

مشمول بر موارد بسیار زیادی است، در این پژوهش، ویژگی‌های کلی کالبدی-فضایی بقاع، که هر یک نشأت گرفته از عوامل ایرانی یا عوامل اسلامی مرسوم در حوزه مورد بررسی یا مشترک بین این دو (اسلامی - ایرانی) بودند، تحت مطالعه قرار گرفتند. مواردی همچون درونگرایی یا برونگرایی بنا، محاسبه تعداد ایوان‌ها و صفه‌ها، هندسه کلی بنا و فضای گنبدخانه، نسبت سطح اشغال فضای گنبدخانه به کل بنا، جهت‌گیری کلی بقعه و راستای ورود به آن، سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه بقعه، بررسی وجود محورهای تقارن، جبهه‌های آفتاب گیر بنا و وجود تعدد فضاهای جانبی، از جمله ویژگی‌های مورد بررسی می‌باشند (نمودار ۱).

برای انتخاب آرامگاه‌ها، تلاش شد تا طبق اسناد و مدارک تاریخی موجود، بقاعی تحت بررسی قرار گیرند که در درجه نخست دارای کمترین میزان تغییرات کالبدی فضایی نسبت به ادوار مبدی نظر این پژوهش باشند و در درجه دوم، اگر بنا، دستخوش تغییر و تحول شده است نیز، میزان، جایگاه و نحوه تغییرات، معین باشد تا بتوان هسته اولیه و اصلی بنا را از سایر قسمت‌های تغییر یافته، الحاقی یا کست شده، تمایز بخشید و مورد تحلیل قرار داد.



نمودار ۱: مؤلفه‌های اسلامی- ایرانی ساختار کالبدی فضایی آرامگاه‌ها (مأخذ: نگارندگان)

۶. یافته‌های پژوهش

برای پاسخ به سوال اصلی که معماری آرامگاهی دوره ایلخانی و صفوی اصفهان، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بر مبنای اصول کالبدی فضایی اسلامی- ایران رایج در معماری این سرزمین دارند، ۱۵ آرامگاه از دوره ایلخانی و ۱۷ آرامگاه از دوره صفوی در مناطق مرکزی ایران با محوریت اصفهان برگزیده شدند و در جدول ۱ و ۲ مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج این بررسی‌ها به تفکیک در بندهای ۱-۶ تا ۱۱-۶ آمده است. در بین آرامگاه‌های منتخب، آرامگاه پیر بکران اصفهان و سید شمس الدین و سید رکن الدین یزد از دوره ایلخانی (البته بخش‌هایی از مقبره پیر بکران متعلق به دوران قبل و بعد از ایلخانی است) و آرامگاه‌های خاتون آبادی و میرزا ابوالقاسم فندرسکی اصفهان از دوره صفوی، شرایط متفاوتی داشتند. این بقاع به دلیل نوعیت دفن مبتنی بر وصیت شخص متوفی، در تحلیل‌ها مورد استناد قرار نگرفته اند، چرا که گرچه قدمت آن‌ها به دوره ایلخانی و صفوی بازمی‌گردد اما به دلیل اینکه پیش از مرگ متوفی و بنا به دلایل دیگر (محل تدریس فرد متوفی بوده و در همانجا دفن شده‌اند) احداث شده‌اند، نمی‌توان آن‌ها را در زمره تحلیل‌ها لحاظ نمود و فقط به دلیل قدمت و ارزش والایشان، به توضیح مختصری پیرامون آن‌ها بسنده شد. آرامگاه سید رضی (متعلق به دوره صفوی) نیز با توجه به مستندات موجود و با عنایت به تخریب بنا در عصر کنونی، قابلیت بررسی همه جانبه را نداشت و صرفاً مواردی که از صحت آن‌ها اطمینان حاصل شده و اطلاعات کافی در اختیار بود، مورد بررسی قرار گرفت. در مسیر پاسخ به سوال اصلی این پژوهش، پاسخ به دو سوال فرعی نیز اجتناب ناپذیر خواهد بود: معماری آرامگاهی دوره ایلخانی و صفوی، هر یک به تفکیک، بر مبنای اصول معماری اسلامی ایرانی، چه ویژگی‌های کالبدی فضایی دارند؟ که جواب این دو سوال نیز، عطف تحلیل‌های صورت پذیرفته در جدول ۱ (ویژگی‌های آرامگاه‌های ایلخانی) و جدول ۲ (ویژگی‌های آرامگاه‌های صفوی)، در بندهای ۱-۶ تا ۱۱-۶، پیش از انجام مقایسه میان این دو دوره، قابل مشاهده است.



تصویر ۱: پراکندگی ابنیه مورد بررسی (مأخذ: نگارندگان)

جدول ۱: تحلیل آرامگاه های مذهبی ایلخانی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ ویلبر، ۱۳۶۲. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	درونگرایی و برونگرایی	ایوان و صفه	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه	محور تقارن
امامزاده رایعه (ربیعیه) خاتون، از نوادگان امام موسی کاظم (ع) واقع در شهر اشترجان استان اصفهان و در چندصد متری مسجد جامع اشترجان.		برونگرا	۱۰ ایوان - ۴ صفه	بدون جهت گیری		۴۲/۱۰۰		
مقبره ابولؤلؤ معروف به بابا شجاع الدین که قتل خلیفه دوم به او منتسب است. واقع در شهر کاشان. مشتمل بر مقبره ابولؤلؤ و صحنی بزرگ با تعدادی حجره		درونگرا	۱ ایوان - ۸ صفه	شمال شرقی - جنوب غربی		۱۴/۱۰۰		ندارد


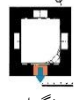

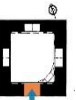
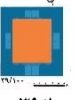



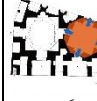
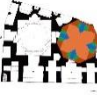

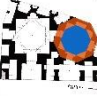

ادامه جدول ۱: تحلیل آرامگاه های مذهبی ایلخانی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ ویلبر، ۱۳۶۲. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	درونگرایی و برونگرایی	ایوان و صفه	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	سلسله مراتب دسترسی به گنبد خانه	محور تقارن
مقبره افضل الدین محمد بن حسین مرقی کاشانی معروف به بابا افضل. از عرفای قرن هفتم هجری. به جز مقبره بابا افضل، مزار سه تن دیگر نیز در این بقعه به خاک سپرده شده است.		برونگرا	۲ ایوان - ۰ صفه	شمال غربی - جنوب شرقی		 ۱۶/۱۰۰		ندارد
مقبره بابا قاسم اصفهانی، از عرفا و علمای نیمه نخست قرن هشتم هجری. واقع در محله شهشهان اصفهان و نزدیک به مدرسه‌ای که این عالم در آن به امر تدریس مشغول بوده است.		برونگرا	۰ ایوان - ۲ صفه	شمال شرقی - جنوب غربی		 ۱۸/۱۰۰		ندارد

ادامه جدول ۱: تحلیل آرامگاه های مذهبی ایلخانی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ ویلبر، ۱۳۶۲. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	درونگرایی و برونگرایی	ایوان و صفه	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه	محور تقارن
مناره های در دشت و مقبره سلطان بخت آغا در اصفهان، آن بانو، برادرزاده شیخ ابواسحاق اینجو بود که به دست فرمانروای سلسله آل مظفر کشته شد. ۱.		برونگرا	۱۰ ایوان - ۴ صفه	بدون جهت گیری		۲۷/۱۰۰	حیاط ↓ درگاه ↓ منه ↓ گنبدخانه	
امامزاده جعفر بن حسن بن حسین بن محمد بن علی بن الحسین (ع). متعلق به اوایل قرن هشتم هجری در شهر اصفهان		برونگرا	بدون ایوان بدون صفه	بدون جهت گیری		۵۹/۱۰۰	حیاط ↓ درگاه ↓ گنبدخانه	

ادامه جدول ۱: تحلیل آرامگاه های مذهبی ایلخانی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ ویلبر، ۱۳۶۲. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	درونگرایی و برونگرایی	ایوان و صفه	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه	محور تقارن
آرامگاه خواجه سعد الدین ساوجی وزیر فاضل و دانشمند دربار ایلخانی که با توطئه ای، به فرمان اولجایتو، حاکم وقت ایلخانی، در سال ۷۱۰ هجری به قتل رسید. ۲				بدون جهت گیری		 ۳۹/۱۰۰		
مرقد دو امامزاده به نام های علی العریضی بن جعفر صادق (ع) و محمد بن موسی کاظم (ع) در قم که در دوره حکومت اولجایتو بنا شده و در طول تاریخ دچار تغییرات بسیار شده است.				بدون جهت گیری		 ۴۸/۱۰۰		ندارد





ادامه جدول ۱: تحلیل آرامگاه های مذهبی ایلخانی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ ویلبر، ۱۳۶۲. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	درونگرایی و برونگرایی	ایوان و صفه	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	سلسله مراتب دسترسی به گنبد خانه	محور تقارن
امامزاده سهل بن علی یزد، مقبره شیخ الاسلام سعیدجمال الاسلام، از عرفای قرن پنجم هجری است. این بنا احتمالاً مربوط به قرن هشتم هجری (اواخر ایلخانی- اوایل آل مظفر) است. برخی قسمتهای آن از جمله شبستان موجود، در ادوار بعد بنا شده است.		درونگرا	۱ ایوان - ۴ صفه	شمال غربی - جنوب شرقی		 ۳۱/۱۰۰	حیاط ، ایوان ، درگاه ، صفه ، گنبدخانه	ندارد

ادامه جدول ۱: تحلیل آرامگاه های مذهبی ایلخانی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ ویلبر، ۱۳۶۲. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	درونگرایی و برونگرایی	ایوان و صفه	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه	محور تقارن
امامزاده سلطان سید علی، فرزند امام موسی کاظم(ع) در نایین. قدمت بنا به اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری بازمی گردد که در هنگام ساخت، به خوبی با مدرسه ای تلفیق شده است.		نیمه درونگرا - نیمه برونگرا	۱ ایوان - ۴ صفه	شمال شرقی - جنوب غربی		۶/۱۰۰		ندارد
امامزاده جعفر(ع)، واقع در دروازه غربی قم، معروف به دروازه همدان. از آثار برجای مانده از قرن هفتم هجری		برونگرا	۰ ایوان - ۴ صفه	بدون جهت گیری		۴۳/۱۰۰		










ادامه جدول ۱: تحلیل آرامگاه های مذهبی ایلخانی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ ویلبر، ۱۳۶۲. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	درونگرایی و برونگرایی	ایوان و صفه	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه	محور تقارن
آرامگاه عموعبدالله بن محمد بن محمود در اصفهان که بیشتر با نام منار جنبان شناخته می شود. وی از عرفای مشهور قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری محسوب می شود.		برونگرا	۱ ایوان - ۱ صفه	شمال شرقی - جنوب غربی		فاقد گنبدخانه	فاقد گنبدخانه	
مزار سیدشمس الدین، فرزند سید رکن الدین در یزد. وی در گنبدخانه مدرسه ای که خود، بانی آن بود به خاک سپرده شد.		-	-	-	-	-	-	-

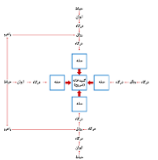
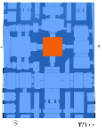
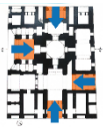
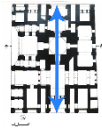

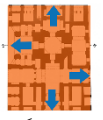

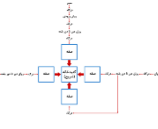






ادامه جدول ۱: تحلیل آرامگاه های مذهبی ایلخانی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ ویلبر، ۱۳۶۲. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

شأن، موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	درونگرایی و برونگرایی	ایوان و صفه	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه	محور تقارن
بقعه سیدرکن الدین محمد نظام الحسینی در یزد که تنها بخشی از یک مجموعه مفصل و شامل گنبدخانه و ایوان یک مدرسه است که شیخ در همین گنبدخانه مدفون است. این بقعه متعلق به اوایل قرن هشتم هجری است.		-	-	-	-	-	-	-
مزار محمد بن بکران (پیر بکران)، از زهاد و عرفای نیمه دوم قرن هفتم هجری اصفهان. مشتمل بر گنبدخانه و ایوانی که وی در آنجا تدریس می کرده و در همانجا به خاک سپرده شده است.		-	-	-	-	-	-	-

جدول ۲: تحلیل آرامگاه های مذهبی صفوی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ عقیلی، ۱۳۸۵. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

محرور تقارن	سلسله مراتب دسترسی به گنبد خانه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	جهت ورود به بقعه	جهت گیری بنا	ایوان و صفه	درونگرایی و برونگرایی	نقشه بقعه	شأن، موقعیت و قدمت بقعه
		 ۲۷/۱۰۰		شمال شرقی - جنوب غربی	۲ ایوان - ۴ صفه	نیمه درونگرا - نیمه برونگرا		امامزاده اسماعیل اصفهان، متشکل از مرقد امامزاده اسماعیل بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع) و مدرسه‌ای به همین نام و مسجد و مرقد شعبای نبی
ندارد		 ۱۱/۱۰۰		شمال غربی - جنوب شرقی	۲ ایوان - ۳ صفه	برونگرا		مزار شاه زید بن علی بن الحسین علیه السلام در اصفهان. بنا شده در دوران شاه محمد خداپنده و مرمت در دوران سلطنت شاه سلیمان صفوی.

ادامه جدول ۲: تحلیل آرامگاه های مذهبی صفوی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ عقیلی، ۱۳۸۵. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

محرور تقارن	سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	جهت ورود به بقعه	جهت گیری بنا	ایوان و صفه	درونگرایی و برونگرایی	نقشه بقعه	شأن، موقعیت و قدمت بقعه
ندارد		 ۳/۱۰۰		 شمال شرقی - جنوب غربی	 ۳ ایوان - ۴ صفه	 برونگرا		امامزاده محمدبن - احمدبن هارون بن موسی الکاظم (ع) در اراک که همه بنا در یک دوره بنا نشده و قدیمی ترین قسمت آن گنبدخانه بنا است که در دوران صفوی ساخته شده است
ندارد		 ۹/۱۰۰		 شمالی - جنوبی	 ۲ ایوان - ۴ صفه	 نیمه درونگرا نیمه برونگرا		مزار امامزاده سهل بن علی بن ابی طالب (ع) در اراک که قدمت آن به دوران حکومت شاه عباس اول باز می گردد.

ادامه جدول ۲: تحلیل آرامگاه های مذهبی صفوی (مأخذ نقشه‌ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ عقیلی، ۱۳۸۵. مأخذ تحلیل‌ها: نگارندگان)

محرور تقارن	سلسله مراتب دسترسی به گنبد خانه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	جهت ورود به بقعه	جهت گیری بنا	ایوان و صفه	درونگرایی و برونگرایی	نقشه بقعه	شان، موقعیت و قدمت بقعه
ندارد				شمال شرقی - جنوب غربی	۲ ایوان - ۴ صفه	برونگرا		امامزاده محمدتفرش، مدفن ابومحمد حسن از نوادگان امام سجاد (ع) برجای مانده از نیمه دوم قرن دهم هجری، ایوان و صحن در نیمه قرن یازده هجری بنا شده است
ندارد				شمال غربی - جنوب شرقی	۱ ایوان - ۴ صفه	نیمه درونگرا - نیمه برونگرا		مزار سلطان امیر احمد کاشان متعلق به میر احمد بن موسی بن جعفر (ع) است که بنای کنونی شامل صحن، ایوان، رواقها و گنبد دوازده ترک آن، متعلق به دوره صفوی است

ادامه جدول ۲: تحلیل آرامگاه های مذهبی صفوی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ عقیلی، ۱۳۸۵. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

محرور تقارن	سلسله مراتب دسترسی به گنبد خانه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	جهت ورود به بقعه	جهت گیری بنا	ایوان و صفه	درونگرایی و برونگرایی	نقشه بقعه	شأن، موقعیت و قدمت بقعه
ندارد				شمال شرقی - جنوب غربی	۳ ایوان - ۴ صفه	برونگرا		بقعه امامزاده محمد اوسط و سلیمان در شهر کاشان، متعلق به دوره صفوی یا پیش از آن.
				بدون جهت گیری	۴ ایوان - ۴ صفه	برونگرا		بقعه هفده تن گلپایگان، محل دفن شانزده امامزاده و یک نفر دیگر. بانی این بقعه، امامقلی خان، سردار مشهور شاه عباس اول است.
ندارد				شمال غربی - جنوب شرقی	۲ ایوان - ۴ صفه	نیمه درونگرا -نیمه برونگرا		مزار هارون بن علی از اولاد و احفاد امام هادی (ع) واقع در شهر اصفهان که شاردن زمان احداث این بنا راه دوران حکومت شاه اسماعیل اول می داند.









ادامه جدول ۲: تحلیل آرامگاه های مذهبی صفوی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ عقیلی، ۱۳۸۵. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

شأن، موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	درونگرایی و برونگرایی	ایوان و صفه	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه	محور تقارن
بقعه محمدرضا بن زیدبن حسن بن علی(ع) که در دوران صفوی، بنا شده و در گذر زمان تغییرات و تعمیراتی در آن صورت پذیرفته		برونگرا	۱ ایوان - ۴ صفه	شمال شرقی - جنوب غربی		 ۱۵/۱۰۰		ندارد
آرامگاه بابا رکن الدین از عرفای قرن هشتم هجری در اصفهان که تاریخ کتیبه سر در بقعه سال ۱۰۲۹ هجری است.		برونگرا	۱ ایوان - ۵ صفه	شمالی - جنوبی		 ۲۷/۱۰۰		ندارد

ادامه جدول ۲: تحلیل آرامگاه های مذهبی صفوی (مأخذ نقشه‌ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ عقیلی، ۱۳۸۵. مأخذ تحلیل‌ها: نگارندگان)

شأن، موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	درونگرایی و برونگرایی	ایوان و صفه	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه	محور تقارن
<p>مزار حاج حسین خوانساری عالم بزرگ عصر صفوی (دوره حکومت شاه سلیمان) اصفهان و جمعی از فضلا، مشهور به قبه‌العلماء و بانی بقعه شاه سلیمان یا شاه سلطان حسین صفوی.</p>		برونگرا	۳ ایوان - ۴ صفه	شمال غربی - جنوب شرقی		۱۱/۱۰۰		
<p>آرامگاه میرزا محمد رفیع نایینی طباطبایی معروف به میرزا رفیعا در اصفهان که در دوره حکمرانی شاه سلیمان، بر مزار وی بنا شد.</p>		برونگرا	۱۰ ایوان - ۸ صفه	بدون جهت گیری		۲۴/۱۰۰		ندارد

ادامه جدول ۲: تحلیل آرامگاه های مذهبی صفوی (مأخذ نقشه‌ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ عقیلی، ۱۳۸۵. مأخذ تحلیل‌ها: نگارندگان)

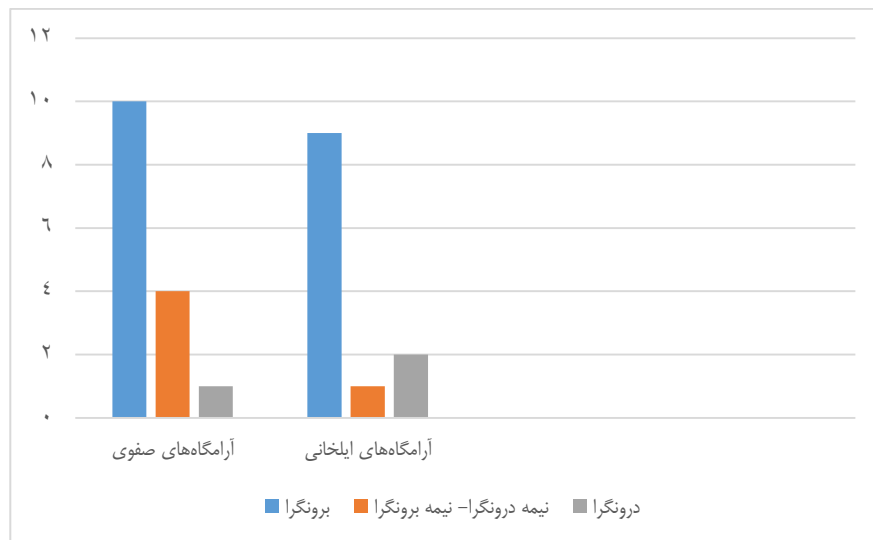
محرور تقارن	سلسله مراتب دسترسی به گنبد خانه	هندسه گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	جهت ورود به بقعه	جهت گیری بنا	ایوان و صفه	درونگرایی و برونگرایی	نقشه بقعه	شان، موقعیت و قدمت بقعه
		 ۳۵/۱۰۰		بدون جهت گیری	ندارد	برونگرا		بقعه ملامحمدبنعبدالفتاح تنکابنی، مشهور به فاضل سراب، از علمای عهد صفوی در اصفهان که در دوره حکم رانی سلطان حسین صفوی بر مزار وی بنا شد.
	؟	؟		شمال شرقی - جنوب غربی	۰ ایوان - ۴ صفه	درونگرا		مدفن سید رضی الدین محمد حسینی شیرازی، متوفی به سال ۱۱۱۳ هجری در اصفهان و متعلق به اواخر دوره صفوی.

ادامه جدول ۲: تحلیل آرامگاه های مذهبی صفوی (مأخذ نقشه ها و توضیحات: حاجی قاسمی، ۱۳۸۹؛ عقیلی، ۱۳۸۵. مأخذ تحلیل ها: نگارندگان)

شأن، موقعیت و قدمت بقعه	نقشه بقعه	درونگرایی و برونگرایی	ایوان و صفت	جهت گیری بنا	جهت ورود به بقعه	هندس گنبدخانه و نسبت گنبدخانه به کل فضاها	سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه	محور تقارن
<p>مزار میرزا ابوالقاسم فندرسکی از بزرگان حکمت و عرفان در اصفهان که بنا بر وصیت خود، در حیاط مجموعه دفن شده است. کتیبه سنگ مزار متعلق به ۱۰۵۳ هجری است.</p>		-	-	-	-	-	-	-
<p>این بقعه متعلق به اواخر دوره صفوی و منسوب به میر محمد اسماعیل خاتون آبادی، از سادات حسینی. بانی این تکیه، خود میر محمد است که پس از مرگش در همان جا دفن شده است.</p>		-	-	-	-	-	-	-

۱-۶. درونگرایی و برونگرایی

طبق بررسی های صورت پذیرفته، از میان دوازده آرامگاه ایلخانی، ۷۵ درصد برونگرا، ۱۶/۶ درصد درونگرا و ۸/۳ درصد آن‌ها نیز نیمه درونگرا- نیمه برونگرا می‌باشند (جدول ۱). از بین پانزده آرامگاه صفوی نیز، ۶۶/۶ درصد آرامگاه‌ها برونگرا، ۶/۶ درصد آن‌ها درونگرا و ۲۶/۶ درصد نیز نیمه درونگرا- نیمه برونگرا هستند (جدول ۲). بنابراین می‌توان تا حد زیادی، برونگرایی را جزو شاخصه‌های اصلی این قسم از معماری، در هر یک از دو دوره در خطه اصفهان، قلمداد کرد.



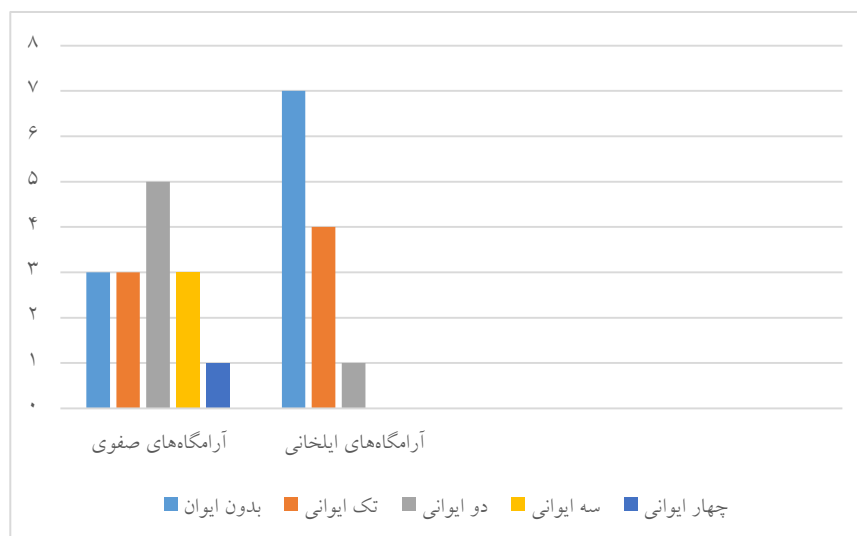
نمودار ۲: درونگرایی و برونگرایی (مأخذ: نگارندگان)

۲-۶. ایوان و صفه

در بین آرامگاه‌های ایلخانی ۵۸/۳ درصد بدون ایوان، ۳۳/۳ درصد، تک ایوان و ۸/۳ درصد مابقی نیز دو ایوانه هستند (جدول ۱). در میان آرامگاه‌های صفوی نیز، ۲۰ درصد بقعه‌ها بدون ایوان، ۲۰ درصد تک ایوانی، ۳۳/۳ درصد ایشان دو ایوانی، ۲۰ درصد آن‌ها سه ایوانی، و ۶/۶ درصد نیز چهار ایوانی هستند (جدول ۲). همانگونه که مشهود است، ایوان به عنوان یکی از

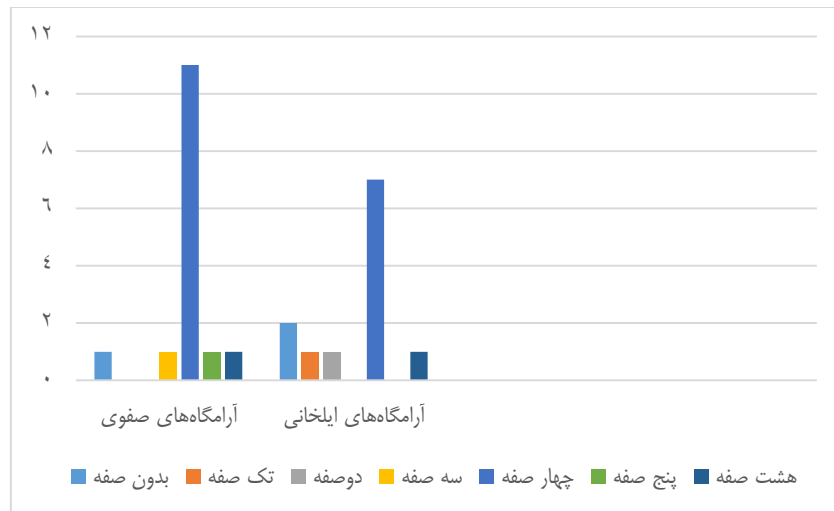
ارزیابی تغییرات کالبدی فضایی آرامگاه‌های ایلخانی و صفوی اصفهان، گامی در مسیر ...

عناصر برجسته معماری ایرانی، در دوره ایلخانی اصفهان، کمتر در فضاهای آرامگاهی استفاده می‌شده که این وضعیت در دوره صفوی تغییر کرده و ایوان جایگاه خود را در این قسم از معماری، تثبیت می‌نماید.



نمودار ۳: تعداد ایوان‌ها (مأخذ: نگارندگان)

در بررسی تعداد صفت‌ها، ۵۸/۳ درصد آرامگاه‌های ایلخانی چهارصفت، ۱۶/۶ درصد آن‌ها بدون صفت، ۸/۳ درصد تک صفت، ۸/۳ درصد دوصفت و ۸/۳ درصد مابقی نیز هشت صفت می‌باشند (جدول ۱). ۷۳/۳ درصد آرامگاه‌های صفوی نیز، از نظام چهارصفت بهره می‌برند، ۶/۶ درصد آن‌ها بدون صفت، ۶/۶ درصد ایشان سه صفت، ۶/۶ درصد پنج صفت و ۶/۶ درصد نیز هشت صفت می‌باشند (جدول ۲). بنابراین، بهره‌گیری از نظام فضایی چهارصفت، در ابنیه آرامگاهی هر دو دوره، رایج بوده و در دوره صفوی، نسبت به دوره ایلخانی، به قوت آن افزوده شده است.



نمودار ۴: تعداد صفها (مأخذ: نگارندگان)

۳-۶. جهتگیری بقعه

طبق تحلیل‌های جدول نخست، ۳۳/۳ درصد آرامگاه‌های ایلخانی، جهتگیری قبله‌ای دارند؛ ۱۶/۶ درصد، دارای جهتگیری شمال غربی- جنوب شرقی و ۵۰ درصد آن‌ها نیز بدون جهتگیری می‌باشند. بررسی‌های صورت گرفته در جدول دوم نیز، نشانگر این است که ۴۰ درصد بقاع جهتگیری به سمت قبله دارند؛ ۲۶/۶ درصد آن‌ها دارای جهتگیری شمال غربی- جنوب شرقی هستند؛ ۱۳/۳ درصدشان، جهتگیری شمالی- جنوبی و ۲۰ درصد مابقی نیز بدون جهتگیری می‌باشند. همانگونه که نمودارها نیز مشخص است، در دوره ایلخانی، قاطبه بقاع، مرکزگرا و بدون جهتگیری هستند و جهتگیری به سمت قبله، در درجه دوم قرار می‌گیرد، اما در دوره صفوی این وضعیت تغییر کرده و جهتگیری کلی به سمت قبله در آرامگاه‌ها پررنگتر می‌شود.

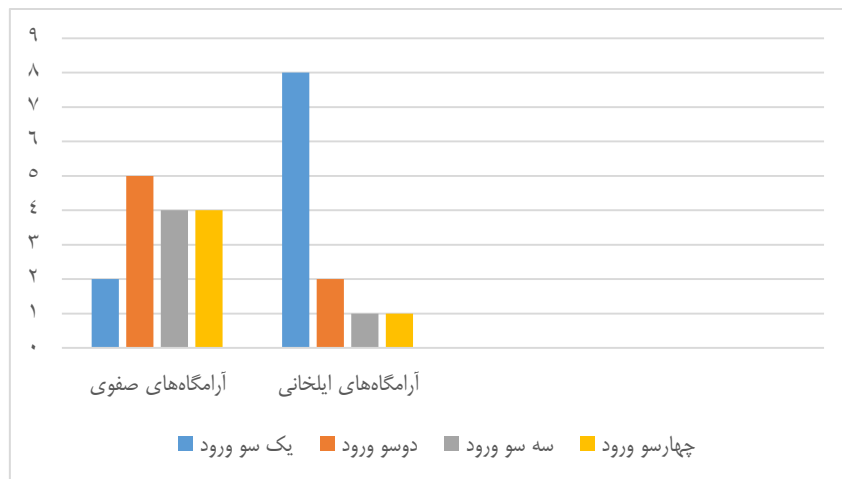


نمودار ۵: جهت‌گیری بقعه (مأخذ: نگارندگان)

۴-۶. جهت ورود

در ۸/۳ درصد از بقاع ایلخانی، امکان ورود به آرامگاه از چهار سمت فراهم است؛ ۸/۳ درصد آن‌ها از سه سمت امکان ورود دارند. ۱۶/۶ درصد ایشان نیز از دو سو و ۶۶/۶ درصد نیز از یک سو امکان دسترسی دارند (جدول ۱). در مقابل، منطبق با تحلیل آرامگاه‌های صفوی، ۲۶/۶ درصد بقاع از چهار سمت، ۲۶/۶ درصد از سه جهت، ۳۳/۳ درصد از دو سمت و ۱۳/۳ درصد، تنها از یک سو، امکان ورود به بقعه دارند (جدول ۲). استفاده از تنها یک ورودی، در ابنیه ایلخانی رواج زیادی دارد اما در دوره صفوی تعدد ورودی‌ها به بقعه، پررنگتر است. لازم به ذکر است، درصدهای بیان شده، الزاماً به معنای این نیست که ورودی‌ها، عیناً در چهار جهت اصلی جغرافیایی قرار گرفته‌اند، بلکه با انطباق جداره‌های بقعه با چهار جهت اصلی (همانطور که در جهت‌گیری بقاع هم ذکر شد، تعداد زیادی از بناها منطبق با جهات فرعی جغرافیایی هستند) این تحلیل صورت پذیرفت. در مواردی، بقاع در یک سوی جغرافیایی بیش از یک ورودی دارند، یا اینکه بین دو ورودی در جهت‌هایی با زوایای متمم یکدیگر، ورودی‌های دیگری نیز وجود دارد که این ورودی‌ها، در درصدهای بیان شده، با جهتی که به

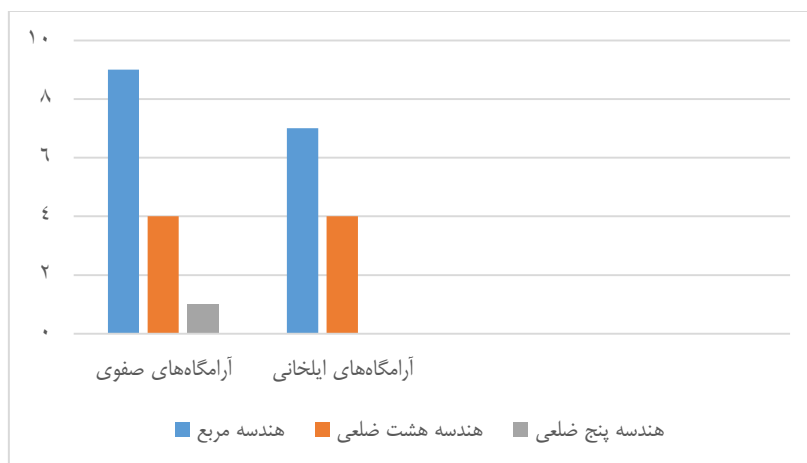
آن نزدیک‌تر بود تجميع شده و هم ارزش در نظر گرفته شدند. البته موقعیت و جهت گیری دقیق تمامی آن‌ها در جدول ۱ و ۲، نمایش داده شده است.



نمودار ۶: جهت ورود به آرامگاه (مأخذ: نگارندگان)

۵-۶. هندسه فضای زیر گنبدخانه

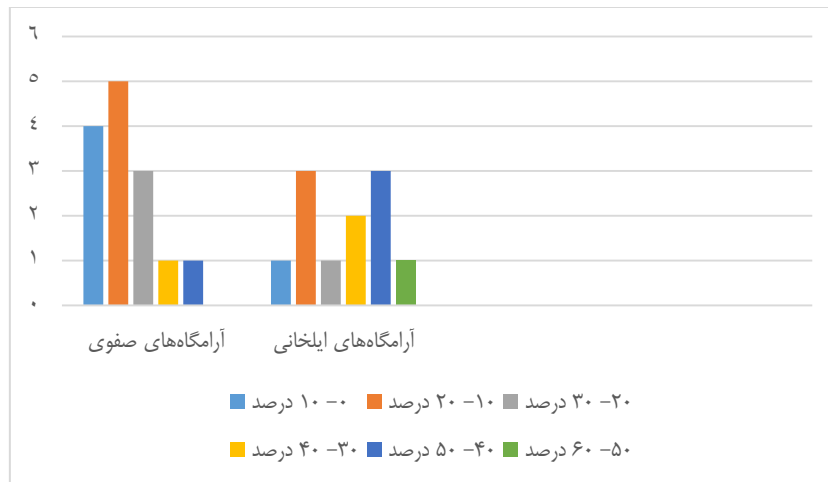
طبق بررسی‌های حاصله از جدول نخست، از بین ۱۱ آرامگاه ایلخانی گنبددار، ۶/۶۳ درصد، هندسه مربعی و ۳/۳۶ درصد، هندسه هشت ضلعی دارند. از بین ۱۴ آرامگاه صفوی گنبددار نیز، ۲/۶۴ درصد از بقاع صفوی، هندسه مربعی، ۵/۲۸ درصد، هندسه هشت ضلعی و ۱/۷ درصد نیز، هندسه پنج ضلعی دارند (جدول ۲). می‌توان گفت دو هندسه مربع و هشت ضلعی، به ترتیب دو فرم غالب در فضای زیر گنبدخانه در هر یک از دو دوره ایلخانی و صفوی به‌شمار می‌روند.



نمودار ۷: هندسه فضای زیر گنبدخانه (مأخذ: نگارندگان)

۶-۶. نسبت فضای زیر گنبدخانه به کل فضاها

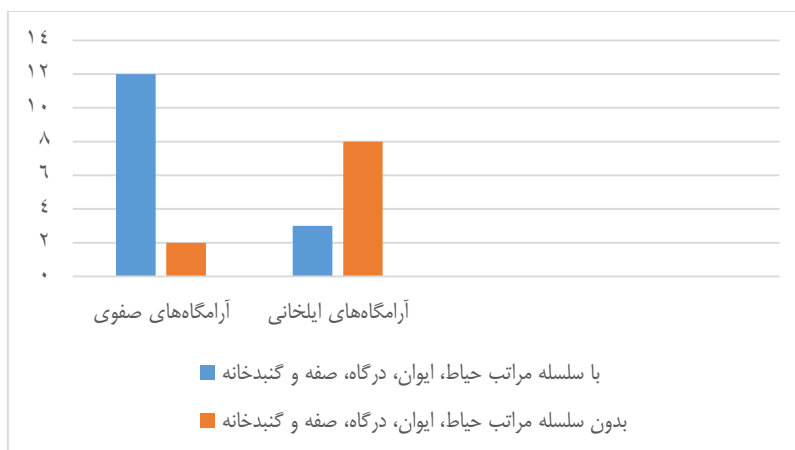
از بین آرامگاه‌های ایلخانی، این نسبت در ۹ درصد نمونه‌ها زیر ده درصد، در ۲۷/۲ درصد از موارد، بین ده تا بیست درصد، در ۹ درصد بقاع بین بیست تا سی درصد، در ۱۸ درصد نمونه‌ها بین سی تا چهل درصد، در ۲۷/۲ درصد بقاع، بین چهل تا پنجاه درصد و در ۹ درصد باقی مانده، بین پنجاه تا شصت درصد می‌باشد (جدول ۱). در میان آرامگاه‌های صفوی نیز، این نسبت در ۲۸/۵ درصد بقاع، زیر ده درصد، در ۳۵/۷ درصد بناها بین ده تا بیست درصد، در ۲۱/۴ درصد آن‌ها، بین بیست تا سی درصد، در ۷/۱ درصد موارد بین سی تا چهل درصد و در ۷/۱ موارد نیز بین چهل تا پنجاه درصد می‌باشد (جدول ۲). در یک مقایسه کلی می‌توان بیان کرد که در ابنیه ایلخانی، فضای زیر گنبدخانه نسبت به سایر فضاها بزرگ مقیاس‌تر از ابنیه صفوی است.



نمودار ۸: نسبت مساحت فضای زیر گنبدخانه به کل فضاها (مأخذ: نگارندگان)

۶-۷. سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه

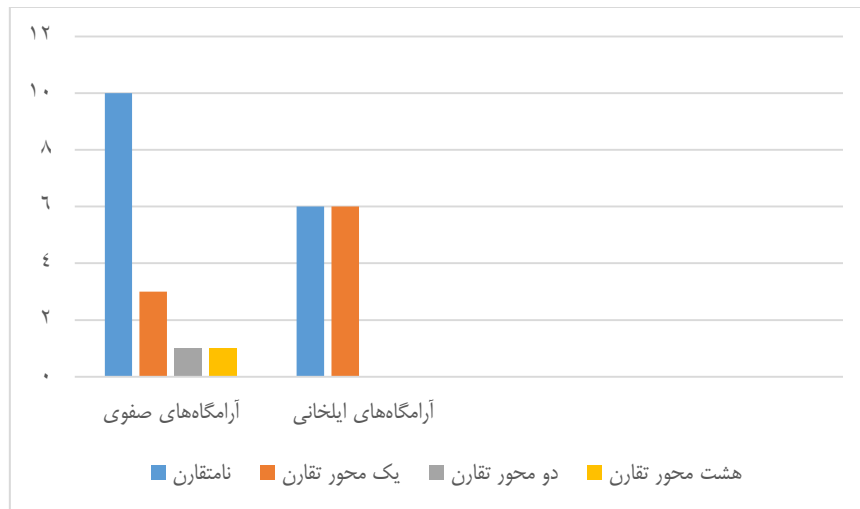
الگوی حیاط، ایوان، درگاه، صفه، گنبدخانه، به عنوان یکی از الگوهای شاخص در نحو فضای معماری ایرانی به شمار می‌رود. از میان کلیه طرق دسترسی به فضای زیر گنبدخانه، در ۱۴ نمونه گنبددار آرامگاه‌های صفوی، در ۸۵/۷ درصد آرامگاه‌ها، حداقل یک بار از این الگو استفاده شده است و در ۱۴/۳ درصد از موارد، به هیچ وجه این الگو به چشم نمی‌خورد (جدول ۲)؛ اما در بین ۱۱ نمونه گنبددار ایلخانی، تنها ۲۷/۲ درصد موارد از این الگو تبعیت می‌کنند و در ۷۲/۷ موارد، استفاده از این الگو استفاده نشده است (جدول ۱).



نمودار ۹: سلسله مراتب دسترسی به گنبدخانه (مأخذ: نگارندگان)

۶-۸. محور تقارن

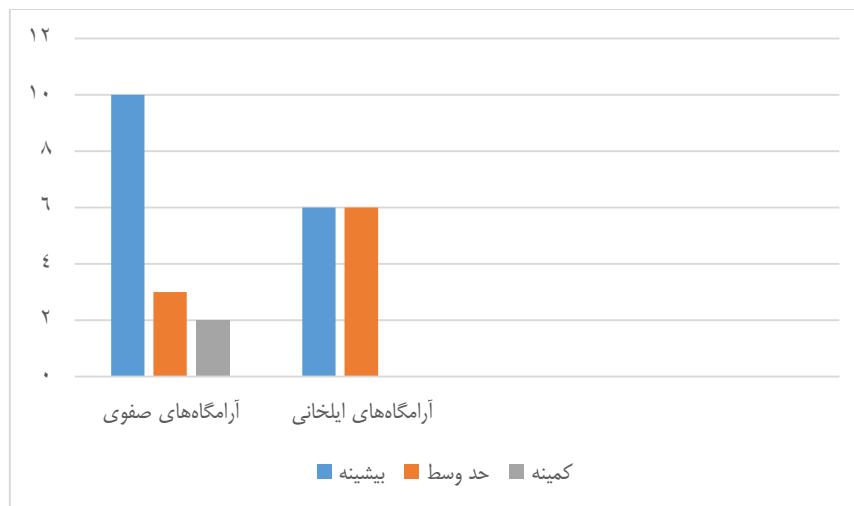
طبق تحلیل‌های منشعب از جدول دوم، به نظر می‌رسد، بهره‌مندی از فضاهای متقارن در معماری آرامگاهی دوره صفوی، چندان جایگاهی ندارد، به طوری که ۶۶/۶ درصد از آرامگاه‌های صفوی، فاقد نقشه متقارن هستند، ۲۰ درصد از آنها تنها یک خط تقارن، ۶/۶ درصد از بقاع دو خط تقارن و ۶/۶ درصد مابقی نیز هشت خط تقارن دارند. در مقابل و در تحلیل جدول نخست، استفاده از فضاهای متقارن در بقاع دوره ایلخانی، پررنگ‌تر به نظر می‌رسد، به طوری که ۵۰ درصد این ابنیه یک خط تقارن دارند و ۵۰ درصد دیگر فاقد محور تقارن هستند.



نمودار ۱۰: تعداد محورهای تقارن (مأخذ: نگارندگان)

۶-۹. آفتابگیری بنا

در هر دو دوره، به بهره‌مندی از نور خورشید توجه شده و نوع استقرار و جهتگیری اکثر بقاع به گونه‌ای است که طولانی‌ترین جداره، هم جهت با مسیر حرکت خورشید استقرار یافته است، لکن این مهم در دوره صفوی کمی پرننگتر به نظر می‌رسد (جدول ۱ و ۲). در ۶۶/۶ موارد از آرامگاه‌های صفوی، جهت گیری بنا به گونه‌ای است که از امکان حداکثری برای بهره‌مندی از نور خورشید برخوردار هستند، ابنیه مذکور جهت گیری شمال شرقی - جنوب غربی یا جهت گیری شمال غربی - جنوب شرقی دارند که بسته فصول مختلف سال، تقریباً منطبق با جهت حرکت خورشید هستند؛ در ۱۳/۳ درصد از بقاع، که کشیدگی شمالی - جنوبی دارند، این امکان به حاقل می‌رسد و ۲۰ درصد موارد نیز به دلیل فرم مرکزگرای خویش، نسبت به دو طیف دیگر در حد وسط قرار می‌گیرد (جدول ۲). در ۵۰ درصد ابنیه ایلخانی، امکان حداکثری برای بهره‌مندی از نور خورشید فراهم است و ۵۰ درصد مابقی این ابنیه نیز، به خاطر فرم مرکزگرایشان در حد وسط این طیف قرار می‌گیرند (جدول ۱).



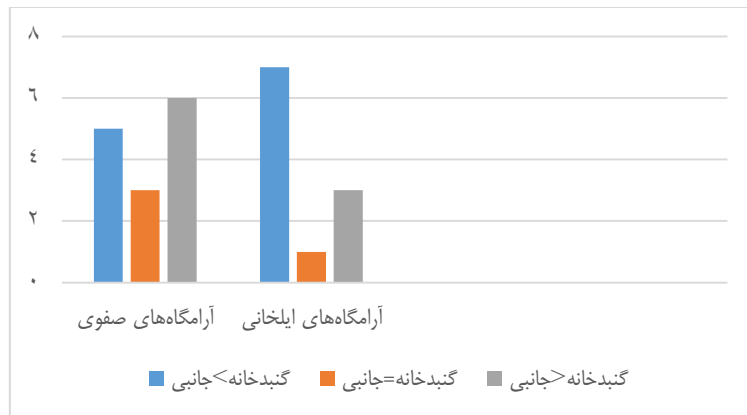
نمودار ۱۱: حد آفتابگیری بقعه (مأخذ: نگارندگان)

۶-۱. نسبت سطح اشغال فضاهای جانبی به فضای گنبدخانه‌ای

در تحلیل سطح اشغال فضاهای جانبی، معین گردید که در ابنیه صفوی نسبت به ابنیه ایلخانی، بیشتر به فضاهای جانبی پرداخته شده و علاوه بر فضای اصلی گنبدخانه‌ای، فضاهای دیگری نیز در هسته اصلی بقعه پدید آمده است (جدول ۱ و ۲). بدین ترتیب که:

در ابنیه آرامگاهی ایلخانی (مواردی که دارای گنبد هستند)، در ۶۳/۶ درصد بقاع، سطح اشغال فضای گنبدخانه‌ای بیشتر از فضاهای جانبی است؛ در ۲۷/۲ درصد موارد این نسبت بر عکس است و ۹ درصد باقی مانده نیز، نسبت مذکور برابر است (جدول ۱).

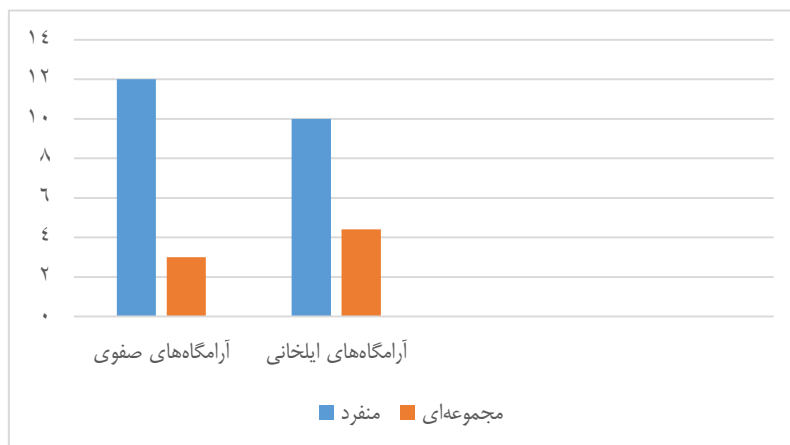
در ابنیه آرامگاهی صفوی نیز در ۴۲/۸ درصد از موارد سطح اشغال فضاهای جانبی بیشتر از فضای زیر گنبدخانه و در ۳۵/۷ درصد از نمونه‌ها این قضیه برعکس است و سطح اشغال فضای زیر گنبدخانه بیشتر از فضاهای جانبی بوده و در ۲۱/۴ درصد باقی مانده نیز، این نسبت برابر است (جدول ۲). لازم به ذکر است در تحلیل‌های صورت پذیرفته، ایوان‌ها و صفت‌ها به عنوان فضاهای غیر مستقل منظور شده‌اند و در محاسبات وارد نشده‌اند. و موارد منتج از تحلیل‌ها با نسبت تقریبی ۵ درصد، بیان شده‌اند.



نمودار ۱۲: سطح اشغال فضاهای جانبی نسبت به فضای گنبدخانه‌ای (مأخذ: نگارندگان)

۶-۱۱. منفرد یا مجموعه‌ای

از بین ۱۲ نمونه مورد بررسی آرامگاه‌های ایلخانی، ۸۳/۳ درصد آن‌ها منفرد هستند و ۱۶/۶ درصد آن‌ها به صورت مجموعه‌ای و در تعامل با کاربری‌های دیگر به چشم می‌خورند (جدول ۱). این نسبت تقریباً در بین ابنیه صفوی نیز وجود دارد؛ به طوری که ۸۰ درصد آن‌ها منفرد و ۲۰ درصد آن‌ها مجموعه‌ای هستند (جدول ۲). بدین ترتیب قاطبه ابنیه مورد بررسی، در هر دو دوره منفرد هستند و کمتر به صورت مجموعه‌ای کاربرد داشتند.



نمودار ۱۳: بررسی تعدد آرامگاه‌های مجموعه‌ای و منفرد (مأخذ: نگارندگان)

ارزیابی تغییرات کالبدی فضایی آرامگاه‌های ایلخانی و صفوی اصفهان، گامی در مسیر ...

۷. بحث و نتیجه گیری

بررسی تاریخ، تفکر و تدبیر در آن، امری است که طبق نظر قرآن کریم برای عبرت گرفتن امت، شناخت قوت‌ها و ضعف‌های آن‌ها و عوامل پیشرفت یا پسرفت تمدن‌ها در همه شئون زندگی بشری که معماری نیز بخشی از آن بوده، ضروری است. بقاع مذهبی همچون آرامگاه ائمه، امامزادگان و قبور علما، از جمله بناهایی هستند که از جنبه‌های مختلف هنری، مذهبی، اجتماعی و تاریخی حائز اهمیت فراوان می‌باشند و به جرأت می‌توان این ابنیه را پس از مساجد، مهمترین، پرکاربردترین و پراقبال‌ترین بنای مذهبی در این سرزمین دانست. در این پژوهش، با در نظر گرفتن دو دوره تاریخی ایلخانی و صفوی (به عنوان یکی از نقاط افول و اوج تمدن اسلامی در ایران)، به شناخت اصول کالبدی- فضایی آرامگاه‌های مذهبی در این دو دوره پرداخته شد و ضمن شناخت و تحلیل ویژگی‌های ساختاری آرامگاه‌های هر یک از ادوار فوق، تحت قالب اصول اسلامی و اصول ایرانی، به مقایسه هر یک از این ویژگی‌ها در دو دوره مذکور پرداخته شد؛ چرا که این امر لازمه و نخستین گام برای ورود به مرحله نقد و ارزیابی و در نهایت ارائه الگوی مطلوب و کاربست این اصول در عصر حاضر است.

در این مطالعه، به سوال معماری آرامگاهی مذهبی دوره ایلخانی و صفوی اصفهان، چه تفاوت‌ها و شباهت‌های کالبدی- فضایی در بستری از اصول اسلامی- ایرانی، با یکدیگر دارند؟؛ پاسخ داده شد که نتایج حاصله از این مقایسه‌ها به شرح زیر است؛

عمده ابنیه آرامگاهی مورد بررسی، در هر دو دوره منفرد بوده و کمتر به صورت مجموعه‌ای کاربرد داشتند. در هر یک از دو دوره ایلخانی و صفوی، می‌توان تا حد زیادی، برونگرایی را جزو شاخصه‌های اصلی این قسم از معماری، در خطه اصفهان، قلمداد کرد. ایوان به عنوان یکی از عناصر شاخص معماری ایرانی، در فضاهای آرامگاهی دوره ایلخانی کمتر مورد استفاده قرار می‌گرفته است که این وضعیت در دوره صفوی تغییر کرده و ایوان جایگاه خود را در این قسم از معماری، تثبیت می‌نماید. استفاده از نظام فضایی چهار صفا، در ابنیه آرامگاهی هر دو دوره، رواج داشته است لکن در دوره صفوی، نسبت به دوره ایلخانی، به

قوت آن افزوده شده است. در دوره ایلخانی، بخش زیادی از بقاع، مرکزگرا و بدون جهتگیری کلی هستند و جهتگیری به سمت قبله، در درجه دوم (از نظر تعداد) قرار می‌گیرد، اما در دوره صفوی این وضعیت تغییر کرده و جهتگیری کلی به سمت قبله در آرامگاه‌ها برجسته‌تر می‌شود. بهره‌مندی از تنها یک ورودی، در ابنیه ایلخانی رواج زیادی دارد اما در دوره صفوی وضعیت متفاوت است و تعدد ورودی‌ها به بقعه، پررنگ‌تر می‌باشد. در ابنیه هر دو دوره، دو هندسه مربع و هشت ضلعی، به ترتیب دو فرم غالب در فضای زیر گنبدخانه، به شمار می‌روند. در آرامگاه‌های ایلخانی، فضای زیر گنبدخانه به نسبت سایر فضاها بزرگ مقیاس‌تر از ابنیه صفوی است. رواج الگوی حیاط، ایوان، درگاه، صفا، گنبدخانه، به عنوان یکی از الگوهای شاخص در نحو فضای معماری ایرانی، در آرامگاه‌های ایلخانی کمرنگ بوده و در سوی مقابل، در بقاع صفوی رواج بسیاری داشته است. استفاده از فضاهای متقارن در دوره ایلخانی، به مراتب بیشتر از دوره صفوی است و بهره‌مندی از فضاهای متقارن در معماری آرامگاهی دوره صفوی، چندان جایگاهی ندارد. نوع استقرار و جهتگیری اکثر بقاع در هر دو دوره به گونه‌ای است که طویل‌ترین جداره، هم جهت با مسیر حرکت خورشید استقرار یافته است، اما این مهم در دوره صفوی کمی پررنگ‌تر به نظر می‌رسد. در ابنیه صفوی به نسبت ابنیه ایلخانی، بیشتر به فضاهای جانبی پرداخته شده است و علاوه بر فضای اصلی گنبدخانه‌ای، فضاهای دیگری نیز در هسته اصلی بقعه پدید آمده‌اند.

پی‌نوشت

۱ و ۲. لازم به ذکر است صاحبان این دو مقبره علاوه بر شأن مذهبی، منصب سیاسی نیز داشتند و از وابستگان حکومت وقت به شمار می‌رفتند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اثنی‌عشران، مهدی و تقی پور، فائزه (۱۳۹۶). «شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر مدیریت کارآمد بقاع متبرکه در شهر اصفهان»، مرمت و معماری ایران، دوره ۱، شماره ۱۴، صص ۷۵-۸۹.
۳. آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). کتاب ایران: تاریخ هنر، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
۴. برتون، جوئل پی (۱۳۷۷). فضای مقدس، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۲۸-۱۴۵.
۵. بلالی اسکویی، آزیئا و جمالی، یحیی (۱۳۹۸). «گونه‌شناسی کالبدی- فضایی آرامگاه‌های مذهبی صفوی اصفهان»، معماری اقلیم گرم و خشک، دوره ۷، شماره ۱۰، صص ۳۱-۵۲.
۶. بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۶). «مقایسه تطبیقی مفاهیم مکان و خارج از مکان در توسعه اجتماعی شهر از دیدگاه روانشناسی محیطی». فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. ۸(۳۲): ۱۷۰-۱۳۹.
۷. پوپ، آرتور اپهام (۱۳۹۳). معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشاری، تهران: دات.
۸. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۹۴). سبک‌شناسی معماری ایرانی، تهران: غلامحسین معماریان.
۹. ثلاثی، محسن (۱۳۷۹). جهان ایرانی و ایران جهانی، تهران: نشر مرکز.
۱۰. حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۹). گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران: امامزاده‌ها و مقابر، ج ۱ و ۲ و ۳، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۹۰). «تأملی در مفهوم معماری اسلامی ایران و راه فهم آن». صفه. دوره ۲۱، شماره ۱، صص ۷-۱۸.
۱۲. حسینی، سید هاشم (۱۳۹۵). «بررسی روند شکلگیری مجموعه‌های آرامگاهی در معماری ایران دوران اسلامی بنابر آراء ابوسعید ابوالخیر»، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱، شماره ۳۸، صص ۱۵-۲۴.

۱۳. خاکپور، مینو (۱۳۹۲). «گونه شناسی بقاع متبرکه لاهیجان، مطالعات شهر ایرانی اسلامی»، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۸۱-۹۲.
۱۴. ربیعی، محسن؛ کریمی، فاطمه؛ زیرک باش، دیبا؛ رحیمی، آزیتا؛ ریاحی، محمد حسین و صفوی زاده، نسرین (۱۳۹۷). استان شناسی اصفهان، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
۱۵. رشکیانی، مهدی (۱۳۹۳). رسانه ملی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.
۱۶. سلیمانی، علیرضا؛ مرصوصی، نفیسه و فرامرزی، مهسا (۱۳۹۷). «تحلیلی بر تاثیر طرح کالبدی بر رفتار در فضاهای شهری (نمونه موردی خیابان امام ارومیه)». برنامه ریزی شهری. ۹(۳۳): ۴۹-۶۸.
۱۷. سهیلی، جمال الدین؛ خاک زند، مهدی و پهلوانپور، رسول (۱۳۹۸). «واکاوی تأثیر ادراک حسی بر افزایش حس رضایتمندی در مساجد محله‌ای با رویکرد ارائه الگوهای جهانی معماری ایرانی- اسلامی (نمونه موردی مسجد جامع قزوین)»، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۱۷۹-۲۰۹.
۱۸. عقیلی، احمد (۱۳۸۵). تخت فولاد اصفهان، اصفهان: کانون پژوهش.
۱۹. غروی، مهدی (۱۳۷۶). آرامگاه‌ها در گستره فرهنگ ایرانی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۰. قیصری، نوراله (۱۳۹۸). «شهر؛ مکان مطلوب تمدن‌سازی در پروژه پیشرفت اسلامی ایرانی»، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۹-۳۳.
۲۱. کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۹). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، تهران: سمت.
۲۲. گدار، آندره (۱۳۷۷). هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۲۳. گرابار، الگ (۱۳۷۵). «اولین بناهای یادبود اسلامی»، فصلنامه اثر، ترجمه کلود کرباسی، دوره ۱۷، شماره ۲۶ و ۲۷، صص ۱۶-۵۹.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۶). بحارالأنوار، ج ۹۷، تهران: اسلامیه.
۲۵. مسعودی اصل، بهزاد؛ فرزین، احمدعلی؛ جوادی، شهره و براتی، ناصر (۱۳۹۷). «مبانی معماری مقابر امامزادگان در ایران»، باغ نظر، دوره ۱۵، شماره ۶۴، صص ۵-۱۴.
۲۶. ملکی، سعید و آریان کیا، مصطفی (۱۳۹۸)، «ارزیابی شاخصه‌های مسکن تاریخی از دیدگاه سبک معماری ایرانی-اسلامی در راستای تحول پذیری سبک معماری نوین (مطالعه موردی بافت تاریخی شهر گرگان)»، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۳۶-۶۲.
۲۷. مومنی، کوروش؛ عطاریان، کوروش؛ دیده‌بان، محمد و مسعودی، زهره (۱۳۹۷). «مقایسه طرح معماری مساجد صفویه اصفهان و مساجد دوره ایلخانی»، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، دوره ۱۱، شماره ۲۳، صص ۹۵-۱۱۴.
۲۸. ویلیز، دونالد (۱۳۶۲)، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی، ترجمه عبدالله فریار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۹. هیلن براند، رابرت (۱۳۷۷)، معماری اسلامی (فرم، عملکرد و معنی)، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۳۰. هیلن براند، رابرت (۱۳۸۰)، تاریخ کمبریج (تاریخ ایران: معماری ایران در دوره صفوی)، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
۳۰. هیلن براند، رابرت (۱۳۸۷)، معماری اسلامی: شکل، عملکرد و معنی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: روزنه.
31. Costa, J & Eccles, G. (1996). Perspective on Tourism Development. International Journal of Contemporary Hospitality Management. 8(7). 44-51
32. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31363#4>
33. Nasr, H. (2001). Knowledge and the sacred. Tehran: Forouzan mehr Press.